

رفیق عظیم جلالی



عظیم در سال 1326 در یکی از روستاهای دشت مغان به دنیا آمد. در دوران کودکی به همراه خانواده اش به شهرستان اردبیل کوچ کرد. دوره دبیرستان را در این شهر به پایان رسانید و بعد از آن در یکی از روستاهای بیجار به عنوان سپاهی دانش مشغول تدریس شد. این دوره برای رفیق فرصت مناسبی بود تا از نزدیک با زندگی زحمت کشان آن دیار به ویژه فرزندان روستائیان، رابطه نزدیکی برقرار نماید و از این طریق بر خشم و کینه خود علیه رژیم شاه و هم چنین بر آگاهی خود بیافزاید.

رفیق عظیم بعد از اتمام دوره سپاهی وارد دانشکده علوم دانشگاه تهران شد و در رشته شیمی مشغول تحصیل گردید. در دانشگاه وی یکی از اعضای اصلی و فعال اتاق کوه نوردی و بعد ها یکی از مجرب ترین و یکی از بنیان گذاران اصلی اتاق کوه نوردی کوی دانشگاه تهران بود. در همین دوران رفیق جلالی ضمن درس خواندن در دانشگاه، در کارخانه کانادادرای تهران نیز شب ها کار می کرد و این خود بستر مناسبی بود تا رفیق از نزدیک با زندگی کارگران آشنا شده و با آنها رابطه برقرار نماید.

بعد از اتمام دانشگاه، با صلاحدید رفقای راهی شبستر آذربایجان گردید و در آن سامان رفیق یک محفل مطالعاتی با دبیران و آموزگاران مبارز تشکیل داد. آثار زحمت و کوشش آنها در مبارزات معلمین و دانش آموزان شبستر و نواحی در دوران قیام، نمود کامل داشت. رفیق جلالی در سال 56 به تهران آمد و ضمن ادامه تحصیل در دبیرستان های جنوب شهر تهران نیز تدریس می نمود. در این زمان او از طریق رفقای به نیازهای مادی و تدارکاتی " سازمان چریک های فدائی خلق ایران" کمک می رسانید.

بعد از قیام و با اعلام موجودیت " راه کارگر"، رفیق عظیم به صفوف ما پیوست و در دانشکده علوم مسئولیت تبلیغ و ترویج خط سازمان را به عهده داشت. بعد از 30 خرداد 60 رفیق ناگزیر بود که مخفی شود و در همین دوران مزدوران رژیم در 8 دی

ماه 60 به خانه اش حمله نموده و او را دستگیر کردند. مدت زندان رفیق دو ماه و نیم بیشتر طول نکشید. طی این زمان او زیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه های عمال ولایت فقیه قرار گرفت، اما لب نگشود و تا پای جان در حفظ اسرار سازمانی اش کوشید و بالاخره مزدوران رژیم بعد از شکنجه فراوان اعدامش کردند. یاد این رفیق کمونیست و رزمنده همواره در قلب ما زنده خواهد ماند.